



آنچه امروزه به نام عرفان کیهانی (حلقه) مطرح می شود شامل آموزه های انحرافی و تضاد با اصول و فروع دین مبین اسلام است

آنچه امروزه به نام عرفان کیهانی (حلقه) مطرح می شود شامل آموزه های انحرافی و تضاد با اصول و فروع دین مبین اسلام است

به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، در این ایام که حکم شدیدی از سوی دادگاه درباره رئیس عرفان حلقه صادر شده، بعضی از گوشه و کنار به حمایت از او برخاسته و می گویند: آنچه او می گوید عین تعلیمات اسلام است و ما با پیروی از او اسلام را بهتر شناختیم، لذا ما که سالهاست افکار او را بررسی می کنیم ناچار شدیم عقائد انحرافی او را به استناد عبارات صریح کتابهایش در اینجا برای شما بیاوریم.

آنچه امروزه به نام عرفان کیهانی (حلقه) مطرح می شود شامل آموزه های انحرافی و تضاد با اصول و فروع دین مبین اسلام است. برخی از موضوعات انحرافی عرفان حلقه از این قرار است:

شیطان شناسی (شیطان پرستی)

شیطان در «عرفان حلقه» احترام و تقدس زیادی دارد و مأمور خدا، عامل کمال، اولین معلم انسان و موحد و مطیع فرمان پروردگار شناخته می شود!

1. آنها معتقدند خداوند از ابلیس خواسته بود که به فرمان سجده بر آدم اعتنا نکند! به این ترتیب عصیان شیطان به عنوان مأموریت الهی بود. (کتاب موجودات غیر ارگانیک، ص 14 و 15 و کتاب انسان معرفت، ص 245).

2. ابلیس به عنوان ملکی که قانون تضاد را برای جهان دو قطبی ایجاد کرده، معرفی می شود. (انسان و معرفت، ص 98 و 99)

3. شبکه شعور کیهانی که عرفان حلقه مدعی اتصال به آن است می گوید: شیطان ملکی است که قانون تضاد و قانون دو قطبی را ایجاد کرده بنابراین شعور کیهانی یا هوشمندی الهی همان ابلیس است. (انسان و معرفت، ص 247).

4. شیطان اولین معلم بشر است زیرا او را به درخت علم و آگاهی راهنمایی کرد و از بهشت نادانی و بی خبری بیرون آورد. (انسان و معرفت، ص 204 و موجودات غیر ارگانیک، ص 15)

این در حالی است که قرآن مجید در آیات بسیاری شیطان را به خاطر نافرمانی و سرپیچی از سجده بر آدم و اعتراض به ذات پاک پروردگار مطرود و ملعون و رانده درگاه خدا می شمرد.

در سوره حجر آیات 32-35 می فرماید: (قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ * قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَلٍ مَّسْنُونٍ * قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ * وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ); «(خداوند) فرمود: ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی؟! گفت: من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده ای، سجده نخواهم کرد. فرمود: از صف آنها [= فرشتگان] بیرون رو، که (از درگاه ما!) رانده شده ای و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود».

و در سوره اعراف آیه 18 می فرماید: (قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْهُورًا لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ); «فرمود: از آن (مقام) با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد می کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می کنم».

و در سوره ص آیه 73-78 می فرماید: (فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ * قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِذْنِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ * قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ * وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ); «در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود. گفت: ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترین ها بودی؟! (برتر از این که فرمان سجود به تو داده شود!) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریده ای و او را از گل. فرمود: از آسمان ها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی. و مسلماً لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود».

به علاوه در آیات متعددی از قرآن مجید سخن از وسوسه و فریب شیطان نسبت به آدم است که او را گمراه ساخت و سبب شد از بهشت بیرون رود و نه تنها معلم آدم نبود بلکه گمراه کننده آدم و سبب محرومیت او از بسیاری از نعمت های الهی شد.

آیا آنچه از کتاب های او در بالا آوردیم با این آیات قرآنی کمترین هماهنگی دارد؟ چگونه بعضی از فریب خورده ها می گویند سخنان او عین تعلیمات اسلام است و با پیروی از او اسلام را بهتر شناخته ایم. این است معنی شناختن اسلام و قرآن مجید!

در ذیل بخشی از متن عبارات کتاب او را عیناً می آوریم.

«در میان این کارگزاران تنها ابلیس است که مأموریت او تا پایان این چرخه ادامه دارد و به عبارت دیگر، تا رسیدن به سرانجام چرخه، سر سجده بر آدم فرود نمی آورد»

موجودات غیر ارگانیک ص 14

«نمی توان این سجده نکردن را خارج از طراحی الهی دانست»

موجودات غیر ارگانیک ص 14

«ابلیس به فرمان سجده بر آدم اعتنا نکرد و این وظیفه را انجام داد»

موجودات غیر ارگانیك ص 14

«پس تبعیت نکردن از فرمان سجده، در ظاهر نافرمانی است و اگر نافرمانی نبود، تضادی هم نبود؛ اما در عین حال، فرمانبرداری است. چون خداوند آن را از پیش تعیین کرده است»

موجودات غیر ارگانیك ص 15

«ظاهر تکبر آمیز این نافرمانی و رانده شدن ابلیس از جهان تک قطبی (جهان وحدت) درسی است که باید در طول مسیر چرخه به آن توجه داشت.»

موجودات غیر ارگانیك ص 15

«برای این منظور، خداوند به ابلیس مأموریت داد که به فرمان سجده بر آدم اعتنا نکند و او نیز این مأموریت را پذیرفت و تنها ملکی شد که بر آدم سجده نکرد و تا پایان سیر او، به سجده در برابر وی در نخواهد آمد»

انسان و معرفت ص 247

«به عبارت دیگر، سجده نکردن ابلیس به آدم، خارج از طراحی دقیق خداوند نیست و این کارگزار، عامل دو قطبی بودن "جهان دوقطبی" و شکل گرفتن صحنه امتحان انسان است.»

انسان و معرفت ص 247

«دیدن این درخت، به آدم نشان داد که با رفتن به سوی آن، برای او امکان سیر در مراحل وجود خواهد داشت که وی را به آگاهی و کمال می رساند.»

انسان و معرفت ص 204

«بنابراین ، جایی که آدم نزدیک شدن به درخت را انتخاب کرد آغاز مسیر نزولی چرخه بود.»

انسان و معرفت ص 204